
مهدی عجل الله تعالی فرجه
در آینه روایات
علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آینه روایات

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آینه روایات

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: حسینی میلانی، علی۱۳۲۶-

عنوان و شرح مسئولیت: مهدی در آینه روایات [منبع الکترونیکی] / علی حسینی میلانی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۹ بایگانی: ۴۶KB)

موضوع: مهدویت

روایات

تواتر

اهل سنت

طول عمر امام مهدی (ع)

مقدمه

شیعه‌ی امامیّه، بر این باور است که:۱- امام مهدی(عج) دوازدهمین امام از ائمه‌ی اطهار (علیهمُ‌السّلام) است؛۲- ایشان، پا به عرصه‌ی گیتی گذاشته و در حال حاضر، در این پهنای هستی، حیات دارد ولی از دیدگان پنهان است؛۳- اندیشه‌ی ناب مهدوی، با این خصوصیّات، از ضروریات مذهب تشیّع بوده و هر گونه تشکیک و تردید آفرینی در آن، موجب بیرون رفتن از مذهب است.این نوشتار، از سه فصل تشکیل شده است:الف) مباحث مربوط به اصل مهدی باوری و اعتقادات شیعه‌ی دوازده امامی؛ب) پژوهش درباره‌ی روایات و سخنان موجود در کتاب‌های اهل سنّت که مخالف با نظر شیعه‌ی امامیّه است؛ج) پاسخ به سؤالاتی در باره‌ی مهدویّت که به اذهان خطور می‌کند و گاهی در کتاب‌ها مطرح می‌شود و چه بسا نویسندگان اهل سنّت، با این سؤالات، باورهای شیعه را در این زمینه مورد طعن و انتقاد قرار می‌دهند.

نقاط اشتراک تمامی مسلمانان

اشاره

نکته‌ی یکم - همه‌ی مسلمانان، جز اندکی، بر این که رسول اکرم (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) به وجود «مهدی» خبر و نوید داده‌اند و برای آن حضرت، اسماء و صفاتی را ذکر فرموده‌اند، اتّفاق دارند. روایات شیعه و اهل سنّت، در این موضوع، بیش از حد تواتر است. بنابراین، جامعه‌ی اسلامی، همگی، بر این باورند و هرگاه کسی بعد از شناخت از چنین اخباری، اصل این عقیده را تکذیب کند، در حقیقت، سخنان پیامبر اکرم (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) را دروغ شمرده است.اخبار نبی اکرم (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) درباره‌ی این موضوع، در کتاب‌های معتبر شیعه و نیز در صحاح و سنن و مجامیع اهل سنّت، موجود است.نیز از سوی علمای شیعه و سنّی، کتاب‌هایی جداگانه درباره‌ی حضرت مهدی(عج) تدوین شده است.علاوه بر احادیث، آیات بسیاری از قرآن مجید هم به امام مهدی(عج) تأویل شده است.بنابراین، نباید برای قول ابن خلدون در جهت ردّ روایات مهدویّت و انکار مهدی در اسلام، ارزشی قائل شد. برخی از علمای اهل سنّت هم در ردّ نظر ابن خلدون مطالبی را نوشته‌اند.مشهورترین تدوین کنندگان احادیث امام مهدی،

از اهل سنّت، اینان‌اند:۱- ابوبکر بن أبی خیثمهٔ (وفات ۲۷۹ ه)؛۲- نعیم بن حمّاد المروزی (وفات ۲۸۸ ه)؛۳- ابوحسین بن المنادی (وفات ۳۳۶ ه)؛۴- ابونعیم اصفهانی (وفات ۴۳۰ ه)؛۵- ابوالعلاء عطار همدانی (وفات ۵۶۹ ه)؛۶- عبدالغنی مقدسی (وفات ۶۰۰ ه)؛ ۷- ابن عربی اندلسی (وفات ۶۳۸ ه)؛۸- سعدالدین الطمویی (وفات ۶۵۰ ه)؛۹- ابوعبداللّه کنجی شافعی (وفات ۶۵۸)؛۱۰- یوسف بن یحیی المقدسی (وفات ۶۵۸)؛۱۱- ابن قیّم جوزیه (وفات ۶۸۵ ه)؛۱۲- ابن کثیر دمشقی (وفات ۷۷۴ ه)؛۱۳- جلال الدین سیوطی (وفات ۹۱۱ ه)؛۱۴- شهاب الدین ابن حجر مکّی (وفات ۹۷۴ ه)؛۱۵- علی بن حسام الدین متقی هندی (وفات ۹۷۵ ه)؛۱۶- نورالدین علی قاری هروی (وفات ۱۰۱۴ ه)؛۱۷- محمد بن علی شوکانی (وفات ۱۲۵۰ ه)؛۱۸- احمد بن صدیق غماری (وفات ۱۳۸۰ ه)؛گفتنی است، در زمان معاصر هم کتاب‌های زیادی از سوی مؤلفان [سنّی] درباره‌ی مهدویّت، تدوین شده است. [۱] .

تواتر احادیث مهدی

از میان علمای اهل سنّت، افراد بسیاری، به متواتر بودن احادیث مهدی(عج) و یا لااقل به صحّت آن‌ها، تصریح کرده‌اند. از جمله‌ی آنان، می‌توان این افراد را نام برد:۱- ترمذی (صاحب الصحیح)؛۲- محمد بن حسین آبری (وفات ۳۶۳ ه)؛۳- حاکم نیشابوری (صاحب مستدرک)؛۴- ابوبکر بیهقی (صاحب السنن الکبری)؛۵- فرّاء بغوی محیی السنهٔ؛۶- ابن اثیر جزری؛۷- جمال الدین مزّی؛ ۸- شمس الدین ذهبی؛۹- نورالدین هیثمی؛۱۰- ابن حجر عسقلانی؛۱۱- جلال الدین سیوطی.خلاصه این که در امّت اسلامی، محلّی برای تردید آفرینی در اصل ایده‌ی مهدویّت، یافت نمی‌شود.نکته‌ی دوم – در هر زمان، حتماً، باید امامی باشد که همه‌ی مسلمانان به او اعتقاد داشته و به او اقتدا کنند و او را میان خود و حق تعالی، حجت قرار دهند.ما این نکته را از این آیات و روایات می‌فهمیم:۱- «لئلّا یکون للنّاس علی اللّه حجّهٔ» [۲] ؛ تا برای مردم در مقابل خداوند [بهانه و] حجتی نباشد.۲- «لیهلک مَن هلک عن بینهٍ و یحیی مَنْ حیَّ عن بینهٍ» [۳] (تا کسی را که [باید] هلاک شود، آگاهانه هلاک شود و کسی که [باید] زنده بماند، آگاهانه، زنده بماند.۳- «قل فللّه الحجهٔ البالغهٔ» [۴] ؛ بگو: «برهان رسا ویژه‌ی خدا است.».حضرت علی (علیه‌السّلام) هم در نهج البلاغه می‌فرمایند:اللهمّ بلی لاتخلو الأرض من قائم لِلّه بحجهٍ إمّا ظاهراً مشهوراً و إمّا خائفاً مغموراً، لئلّا تبطل حجج الله و بیناته [۵] .آری، زمین، هیچ گاه از حجّت الهی، تهی نیست. [او]، یا آشکار او شناخته شده و یا بیمناک و پنهان است. [او باید باشد] تا حجت خدا باطل نشود و نشانه‌هایش از میان نرود.در این باب، روایات بسیاری در کتاب‌های حدیثی و روایی، از جمله در صحیحین، مسانید، سنن، معاجم،... وارد شده است که مورد پذیرش امامیه و اهل سنّت است.حدیث یکم – «مَنْ ماتَ و لم یعرف إمام زمانِه ماتَ میتهً جاهلیهً؛ هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، بر مرگ جاهلیّت مرده است.».سعدالدین تفتازانی، حدیث را، مرسله مسلّمه (مورد پذیرش همگان) دانسته و مباحث خود را در شرح المقاصد [۶] بر آن بنا کرده است.این حدیث شریف، با عبارات دیگری نیز وارد شده است، ولی همگی، به یک معنا اشاره دارند.به عنوان نمونه، در مسند احمد [۷] ، مسند ابی داوود الطیالسی [۸] ، صحیح ابن حبّان [۹] ، المعجم الکبیر [۱۰] ، این حدیث، چنین وارد شده است: «مَن مات بغیر إمامٍ مات میتهً جاهلیهٔ».برخی دیگر از علما، حدیث را به شکل زیر از کتاب المسائل الخمسون فخر رازی نقل کرده‌اند: «مَنْ مات و لم یعرف إمام زمانه فلیمت إنْ شاء یهودیّاً وإنْ شاء نصرانیاً.».البته، باید چنین معرفتی، مقدمه‌ی اعتقاد باشد؛ یعنی، هر کس بمیرد و به امام زمان خود که منصوب از جانب خدا است، باور نداشته باشد، بر مرگ جاهلیّت مرده است.مراد از «امام زمانه»، هر حاکمی که بر امور مسلمانان و مؤمنان سیطره پیدا کرده باشد، نیست؛ زیرا، شناخت چنین شخصی، واجب نیست و نشناختن او، موجب ورود در جهنم و مرگ جاهلیّت نخواهد بود.آن امامی که شناخت و اطاعت‌اش واجب بوده و اعتقاد به او و حجت قرار دادن او بین خود و خدای لازم است، امامی است که منصوب از جانب خداوند باشد.تاریخ نگاران، نوشته‌اند همان عبداللّه بن عمر که از بیعت با علی (علیه‌السّلام) امتناع کرد، شبانه، درِ خانه‌ی حجاج را کوبید تا با او برای عبدالملک بیعت کند، تا آن شب را بدون امام به صبح نرساند!عبداللّه، به حجاج گفت: «شنیدم

رسول الله فرمود: مَنْ مات ولا إمام له مات میتهً جاهلیّهً.». گفتنی است در این شب، حجاج عبداللّه بن عمر را تحقیر کرده و پای خود را برای بیعت دراز کرد و عبداللّه بن عمر اینگونه با حجاج بیعت نمود البته این اثر وضعی گناه او است، زیرا کسی که از بیعت با شخصی مثل علی (علیه‌السّلام) خودداری کند روزی با امثال حجاج با چنین کیفیتی بیعت خواهد کرد.همچنین تاریخ نگاران در شرح حال عبداللّه بن عمر چنین آورده‌اند که ایشان در واقعه حرّهٔ - در این واقعه یزید بن معاویه به مدت سه روز شهر مدینه را برای سپاهیان خود مباح اعلام کرد تا هر کاری که خواستند انجام دهند، در این واقعه دهها هزار نفر از جمله صدها تن از صحابه و تابعین کشته شده و صدها زن بدون شوهر فرزند به دنیا آوردند - نزد عبداللّه بن مطیع آمد و گفت: نزد تو آمده‌ام تا حدیثی را که از رسول الله شنیده‌ام برای تو نقل کنم: پیامبر فرمود:(من خلع یداً من طاعهٔ لقی اللّه یوم القیامهٔ لاحجهٔ له، و من مات و لیس فی عنقه بیعهٔ مات میتهً جاهلیهٔ) [۱۱] .البته بعدها عبداللّه بن عمر به سبب بیعت نکردن با حضرت علی (علیه‌السّلام) و مشارکت نکردن با ایشان در جنگ - با گروه متجاوزان - تأسف می‌خورد. [۱۲] .بنابراین مسأله وجوب شناخت امام در هر زمان و وجوب اعتقاد به امامت اشان و ملتزم شدن به بیعت با او مورد پذیرش همگان - شیعه و اهل سنّت - بوده و احادیث و سیرت صحابه بر آن دلالت داشته و از ضروریات عقائد اسلامی به شمار می‌آید.نکته‌ی سوم - حضرت رسول (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) فرمودند: «الائمهٔ بعدی إثنا عشر». [۱۳] حضرت مهدی(عج) از جمله‌ی آن امامان دوازده گانه - که حضرت خبر داده‌اند - است. در این جهت، هیچ شک و تردیدی راه ندارد؛ چرا که تمام صفات و قیدهایی که در این حدیث شریف ذکر شده است، تنها بر حضرت مهدی(عج)، منطبق است و نه کس دیگر؛ زیرا، تنها، آن هنگام که حضرت حجت (علیه‌السّلام) پدیدار شود، مردم، بر امامت او اجتماع خواهند داشت و خداوند تبارک و تعالی، به دست ایشان، اسلام را عزیز خواهند گرداند و بر همه‌ی ادیان غلبه خواهند داد.برخی از نویسندگان که جانشینان بعد از رسول اکرم (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) را از میان بنی امیه و... می‌دانند، امام مهدی(عج) را جزء آن خلفا بر شمرده‌اند.خلاصه‌ی سخن اینکه: ۱- امّت اسلامی، دارای یک منجی مصلح، به نام مهدی (علیه‌السّلام) است.۲- در هر زمانی، امامی است که بر همه‌ی مسلمانان واجب است او را بشناسد و به او ایمان بیاورند.۳- مراد از مهدی(عج) - که در روایات پیامبر اکرم (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) از او خبر داده شده است - دوازدهمین امام از ائمه‌ی اطهار (علیه‌السّلام) است.بنابراین، بعد از آن که همه‌ی مسلمانان، بر ایده‌ی مهدویّت اتّفاق دارند و حضرت مهدی (علیه‌السّلام)، امام دوازدهمین شیعیان است، شناخت و اعتقاد به او، واجب است و هر کس بمیرد و او را نشناسد، بر مرگ جاهلیّت مرده است.در کتاب‌های اهل سنّت هم روایاتی که مطابق با ایده و عقیده‌ی شیعه‌ی امامیه باشد، وجود دارد. در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.روایت یکم‌پیامبر اکرم فرمود: «اگر از [عمر] دنیا، جز یک روز باقی نماند، خداوند تبارک و تعالی، آن روز را آن قدر طولانی می‌گرداند، تا این که مردی از فرزندان من، در آن روز، برانگیخته شود. او هم نام من است.». سلمان ایستاد، و عرضه داشت: «یا رسول الله! از کدامین فرزندت؟». حضرت فرمود: «از این فرزند و با دستان مبارک‌اش بر حسین زد.».این روایت، از أبی القائم الطبرانی [۱۴] ابن عساکر الدمشقی، أبی نعیم الاصفهانی ابن قیم الجوزیّه، یوسف بن یحیی المقدسی، [۱۵] شیخ الاسلام الجوینی [۱۶] ، ابن حجر المکّی [۱۷] (صاحب الصواعق) نقل شده است.روایت دوم‌زمانی که پیامبر اکرم (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) در حال احتضار بود، به حضرت زهرا (علیهَاالسّلام) فرمود: «ای فاطمه! چه چیزی تو را می‌گریاند؟ بدان که خداوند تبارک و تعالی، به زمین نظر کرد و از آن، پدرت را اختیار کرده و او را به پیامبری برانگیخت، سپس دوباره به زمین نظر کرد و شوهرت را اختیار کرد. به من وحی کرد که تو را به ازدواج او در آورم و او را وصیّ خود قرار دهم. آیا نمی‌دانی که خداوند به سبب این که نزد خداوند، بزرگ منزلت بودی، تو را به ازدواج کسی در آورد که از همه عالم‌تر و بردبارتر بود و اسلام آوردن او بر همه مقدّم است؟».حضرت زهرا (علیهَاالسّلام) تبسم نمود و شاد گردید. سپس رسول‌الله (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) افزود: «و از ما است آن مهدی(عج) که حضرت عیسی پشت سر او نماز می‌گذارد.».سپس بر کتف امام حسین (علیه‌السّلام) زده و فرمود: «مهدی امّت، از فرزندان ایشان است.».ابوالحسن الدار قطنی،

ابوالمظفر السمعانی، ابوعبدالله الکنجی، و ابن الصبّاغ المالکی [۱۸] ، این حدیث شریف را در منابع خود ذکر کرده‌اند.حدیث سوم‌پیامبر (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) فرمود: «یخرج المهدی من ولدالحسین من قبل المشرق، لو استقبلته الجبال لهدمها واتّخذ فیها طرقاً»؛ مهدی، از فرزندان امام حسین (علیه‌السّلام)، از جانب مشرق، خروج می کند. اگر کوه‌ها در مقابل او بایستند، آن‌ها را نابود گردانده و آن‌ها را هموار می کند.».این حدیث شریف هم از نعیم بن حمّاد، الطبرانی، أبی نعیم والمقدسی (صاحب کتاب عقدالدرر فی أخبار المنتظر) [۱۹] نقل شده است.سخنان دانشمندان اهل سنّت‌بسیاری از تاریخ نویسان و محدّثان اهل سنّت هم تصریح دارند که مهدی(عج) از ذریّه‌ی امام حسین (علیه‌السّلام) است و اضافه می کنند که ایشان، فرزند امام حسن عسکری است که پا به عرصه‌ی گیتی گذاشته و در قید حیات است.مشهورترین آنان، عبارت‌اند از:احمد بن محمد بن هاشم البلاذری، (وفات ۲۷۹ ه)،ابوبکر البیهقی (وفات ۴۵۸ ه)؛ابن الخشاب (وفات: ۵۶۷ ه)؛ابن الأرزق (وفات ۵۹۰ ه)؛ابن عربی اندلسی (صاحب فتوحات مکیه). (وفات ۶۳۸ ه)؛ابن طلحهٔ شافعی (وفات ۶۵۳ ه)؛سبط ابن جوزی حنفی (وفات ۶۵۴ ه)؛کنجی شافعی (وفات ۶۵۸ ه)؛صدر الدین قونوی (وفات ۶۷۲ ه)؛صدر الدین حموی (وفات ۷۲۳ ه)؛عمر بن وردی (وفات ۷۴۹ ه)؛صلاح الدین صفدی (صاحب وافی. وفات ۷۶۴ ه)؛شمس الدین بن جزری (وفات ۸۳۳ ه)؛ابن صبّاغ مالکی (وفات ۸۵۵ ه)؛جلال الدین سیوطی (وفات ۹۱۱ ه)؛عبدالوهاب شعرانی (وفات ۹۷۳ ه)؛ابن حجر مکی (وفات ۹۷۳ ه)؛علی قاری هروی (وفات ۱۰۱۳ ه)؛عبدالحق دهلوی (وفات ۱۰۵۲ ه)؛شاه ولی اللّه دهلوی وفات (۱۱۷۶ ه)؛قندوزی حنفی (وفات ۱۲۹۴ ه)؛

روایات اهل سنت

در کتاب‌های اهل سنّت، درباره‌ی مهدویّت، روایاتی است که با نظر شیعه مخالف است. برخی از علمای اهل سنّت، مطابق این روایات، نظری خلاف مشهور عامه‌ی مسلمانان داده‌اند.در این فصل، این روایات بررسی می‌شود.۱- در روایتی آمده است: «المهدی هو عیسی بن مریم.». [۲۰] .این خبر واحد، تنها در برخی از کتاب‌های اهل سنّت وارد شده است. این خبر با آن همه احادیث که می گوید، حضرت مهدی (علیه‌السّلام) فرزند حضرت امام حسن عسکری (علیه‌السّلام) است، نمی‌تواند برابری کند.۲- در روایتی آمده است: «المهدی من ولد العباس.». [۲۱] .این روایت نیز، خبر واحد و مخالف روایات متواتر است. به نظر می‌رسد، این روایت، در زمان بنی عباس، برای صلاحیت بخشیدن به سلاطین بنی عباس وضع شده است.۳- در روایتی آمده است: «المهدی من ولد الحسن.». [۲۲] .این روایت نیز خبر واحد است.۴- در روایتی آمده است: «اسم أبی المهدی اسم أبی النبی.». [۲۳] .با عنایت به این خبر، نام پدر امام مهدی(عج)، «عبدالله» است که این قابل انطباق بر مهدی(عج) نیست، امّا باید دانست که این روایت، خبر واحد است و غیر قابل اعتنا.۵- ابن تیمیّه هم به طبری و ابن قانع نسبت داده است که امام حسن عسکری (علیه‌السّلام) فرزندی نداشته است.این نسبت، دروغی بیش نیست و طبری و ابن قانع چنین نگفته‌اند.

طول عمر، فایده‌ی غیبت و مکان زندگی حضرت

اشاره

در این فصل به موضوعاتی مانند طول عمر، فایده‌ی غیبت، مکان زندگی حضرت، می‌پردازیم. متأسفانه، برخی از نویسندگان اهل سنّت، مانند صاحب منهاج السنّهٔ، این سؤالات و ابهامات را با شتم و استهزاء و تمسخر و... همراه کرده‌اند که این، امری ناشایست است. انسانی که نمی‌داند و یا شک کرد، می‌پرسد، نه این که قلم‌اش به مطالب غیر اخلاقی آلوده سازد.

طول عمر

سعد الدین تفتازانی طول عمر حضرت (علیه‌السّلام) را بعید می‌شمارد و می گوید: «شیعه‌ی امامیه، می‌پندارند محمد بن حسن عسکری (علیه‌السّلام)، به سبب ترس از دشمنان، پنهان شده است و عمر ایشان، همانند عمر نوح و لقمان و خضر، است. سایر مذاهب، این نظر را انکار می کنند؛ زیرا، اوّلاً، چنین ادعایی محال است و دوم این که، بعید است که یک امام به اندازه‌ای در میان مردم پنهان باشد که تنها نامی از او یاد شود، و سوم این که وجود چنین امامی، عبث و بیهوده است. اگر بپذیریم که امامی، این اندازه عمر کند، بایستی پیدا باشد و مردم او را ببینند.نیز، داستان اقتدای حضرت مسیح به مهدی(عج) و بر عکس آن، مستندی ندارد.».بنابراین برخی همچون سعدالدین تفتازانی اگرچه ولادت یافتن امام مهدی(عج) از امام حسن عسکری را پذیرفته‌اند، ولی از نظر آنها بعید است امام، این اندازه عمر طولانی داشته باشد و می گویند حضرت وفات یافته است زیرا در عقل آنها نمی گنجد که انسان با این عمر طولانی در این دنیا باقی بماند.در پاسخ او باید گفت، اوّلاً، این سخن با حدیث «مَن مات و لم یعرف إمام زمانه مات میتةً جاهلیّة»، منافات دارد؛ زیرا، این حدیث، بر وجود امام در هر زمانی دلالت دارد و «زمان او» و «زمان ما» و «زمان آیندگان» نمی‌تواند، شامل این روایت نباشد.برای همین جهات است که برخی هم در حیرت مانده‌اند، اینان از طرفی به بقاء حضرت اعتراف نمی کنند زیرا از نظر آنها بعید است کسی با این عمر طولانی در دنیا باقی بماند و از جانب دیگر به سبب ادلّه موجود نمی‌توانستند حیات حضرت را انکار کنند. بنابراین، اینان اگرچه معترف به راه دست یافتن حضرت هستند ولی می گویند نمی‌دانیم چه بر سر حضرت آمد:ثانیاً، اگر به عدم امکان امری، اعتقاد داشته باشیم با وقوع یک فرد و یک مصداق از آن در عالم خارج، مثلاً، ده در صد از این اعتقاد کاسته می‌شود. و به همین ترتیب، وجود مصداق‌های متعدّد، در صد آن اعتقاد را کم خواهد کرد. و آن امر محال، امکان‌پذیر می گردد.به عنوان نمونه چنانچه شخصی ادّعا نماید که می‌تواند از روی آب عبور کند دیگران سخن او را دروغ می‌شمرند و می گویند، این کار غیر ممکن است، اگر این شخص یک بار از روی آب عبور کند، به اندازه همین یک مرتبه از محال بودن این امر کاسته می‌شود و اگر این عمل چندین مرتبه تکرار شود به صورت یک امر طبیعی و عادی شده و امکان‌پذیر می گردد.بنابراین، از آن جا که برای خداوند امکان داشته است به حضرت نوح و حضرت خضر و حضرت عیسی (علیهمُ‌السّلام) عمر طولانی عطا فرماید و علاوه بر آن، در کتاب‌های اهل سنّت، روایاتی است که حاکی از وجود فعلی دجال است، با تعدّد افراد و مصادیق و شواهد، مسئله‌ی طول عمر، استبعادش، دائماً، کاسته می‌شود و زائل می گردد. در نتیجه عمر طولانی برای حضرت حجت (علیه‌السّلام) دیگر غیر ممکن نیست.نکته‌اگر چه ابن تیمیّه، اصل حیات حضرت خضر را انکار کرده و گفته است: «بیش‌تر علما، به وفات حضرت خضر معتقد هستند.»، ولی ابن حجر عسقلانی [۲۴] حضرت خضر را از صحابه‌ی رسول الله دانسته است و حافظ نَوَوی [۲۵] – از علمای قرن ۶ یا ۷ – بر زنده بودن خضر در زمان ایشان تصریح دارد.در قرن‌های بعد هم القاری در المرقاة [۲۶] و شارح الواهب الدنیّه به بقای حضرت خضر تا زمان خودشان تصریح کرده‌اند و حتّی حکایت‌ها و داستان‌هایی از کسانی که با حضرت خضر ملاقات کرده‌اند و از ایشان اخبار و روایاتی شنیده‌اند، [۲۷] نقل کرده‌اند.پاسخ دیگر این اشکال این است که اگر حکمت خداوند، اقتضا کند که یک نفر را هزاران سال در این جهان باقی گذارد، قدرت خداوند آن اراده و مشیّت را به انجام می‌رساند.

استفاده از امام غایب

ابن تیمیّه و سعد تفتازانی می گویند: «از مهدی(عج)، تنها، نامی باقی مانده است و حتّی کسانی که به وجود او معتقد هستند، از ایشان سود و نفعی نمی‌برند.».به این شبهه پاسخ‌های گوناگونی می‌توان داد. یکی از آن پاسخ‌ها این است که حوادث و حکایت‌های فراوانی در شرح حال بزرگان شیعه و... نقل شده است که اینان، در موارد متعدّدی، برای رفع مشکلات و... به محضر حضرت شرف یاب شده‌اند و امام هم آن مشکلات را از ایشان رفع کرده است.پاسخ دیگر این است که خداوند تبارک و تعالی، برای هر امّتی، رسول و امامی فرستاد تا حجّت خود را بر آنان تمام کند، ولی بسیاری از انبیا و رسولان، در اوّلین روز رسالت خود،

کشته و یا تبعید و یا به دار آویخته شدند، حال آیا می‌توان به خداوند عرضه داشت که فرستادن رسولان و انبیا از جانب خداوند کاری عبث و بیهوده بوده است؟

مکان زندگی حضرت

شبهه‌ی دیگر این است که «حضرت در کجا زندگی می‌کند؟».در پاسخ می‌پرسیم، شما که به زنده بودن حضرت خضر (علیه‌السّلام) اعتقاد دارید مکان زندگی ایشان را کجا می‌دانید؟ این که ایشان و امثال او در کجا زندگی می‌کنند، پرسش اساسی نیست. برای اعتقاد به وجود یک نفر، لازم نیست که بدانیم، او، در کجا زندگی می‌کند. حضرت مهدی (علیه‌السّلام) و جناب خضر (علیه‌السّلام) و... در این کره‌ی خاکی زندگی می‌کنند و نه در جای دیگر.

انتظار، برترین عمل

سبب غیبت حضرت حجت (علیه‌السّلام) یا از بابت عدم وجود مقتضی و زمینه‌های مناسب برای ظهور است و یا از بابت وجود مانع. پس برای ظهور حضرت (علیه‌السّلام) باید زمینه‌ی مناسب را ایجاد کرد و موانع را برچید.اگر معنای «أفضل الأعمال انتظار الفرج» تبیین شود، وظیفه‌ی ما در عصر غیبت و نقش مان برای زمینه‌سازی ظهور حضرت، روشن خواهد شد.برای فهم این روایات، ابتدا، باید بدانیم که ظهور حضرت (علیه‌السّلام) یک امر ناگهانی است [۲۸] و هیچ کس نمی‌تواند زمان ظهور و بر طرف شدن موانع و تحقّق زمینه‌های ظهور [۲۹] را پیش بینی کند.تنها، خداوند تبارک و تعالی، نسبت به زمان برطرف شدن موانع و تحقّق زمینه‌های مناسب برای ظهور حضرت آگاه است. و هیچ کس نمی‌تواند زمان آن را تعیین کند. در روایت آمده است: «کذب الوقاتون».و نیز باید بدانیم که حکومت و قضاوت حضرت حجت(عج) مانند حکومت حضرت داوود (علیه‌السّلام) است؛ [۳۰] یعنی، ایشان، بر اساس واقع و آگاهی خود حکم خواهند کرد و نه بر اساس بیّنه و... بیّنه و...، از قواعد ظاهری است که ممکن است، اشتباه هم باشند. یکی از قواعد قضاوت، «قاعده‌ی ید» است. طبق این قاعده، مثلاً اگر کتابی در دست کسی باشد، همین امر، مالکیت او را بر کتاب، نشان می‌دهد. لذا اگر کس دیگری ادعا کند ولی شاهد و... نداشته باشد، قاضی، کتاب را به کسی می‌دهد که در دست او است، امّا آن هنگام که حضرت اش بیاید، حکم ایشان، بر اساس واقع است. در این مثال اگر فردی که کتاب در دست‌اش است، واقعاً، مالک نباشد، حضرت به این قاعده توجّه نمی‌کند و کتاب را به صاحب اصلی‌اش باز می‌گرداند.این در حالی است که پیامبر اکرم (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) می‌فرمودند (انما اقضی بینکم بالبینات والایمان و بعضکم الحسن بحجة من بعضٍ و أیّما رجل قطعت له قطعةٌ فانّما اقطع له قطعةً من نار) و فقط بر اساس قواعد ظاهری و نه بر اساس واقع حکم می‌نمودند، بنابراین اگر مدعی، بینه‌ای مبنی بر مالکیت خانه می‌آورد، پیامبر (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم) بر اساس آن بینه حکم نموده و خانه را به ایشان واگذار کرده و می‌فرمودند: من بین شما با بینه حکم می‌کنم و اگر بینه مدعی دروغ باشد و از این راه مالک خانه گردد باید بداند که این خانه قطعه‌ای از آتش بوده و نباید آن را اخذ کند.هنگامی که این دو امر را دانستیم، معنای «أفضل الأعمال انتظار الفرج» روشن می‌شود؛ زیرا، انتظارِ ظهوری ناگهانی و حکم بر حسب واقع، انسان را وا می‌دارد که در هر لحظه، نسبت به تکالیف خود در امور اجتماعی و... واقف باشد و به آن‌ها عمل کند و خود را در عقیده و عمل اصلاح کند و دیگران را هم اصلاح سازد. بدین سان، انتظار، برترین وسیله برای اصلاح فرد و جامعه است و با اصلاح فرد و جامعه، راه برای ظهور حضرت حجت(عج) هموار می‌شود و اصلاح شدگان، از اعوان و انصار حضرت خواهند بود.گفتنی است روایات ائمه (علیهمُ‌السّلام) شیعیان را از عجله برای ظهور امام(عج) بر حذر داشته‌اند و تکلیف شیعیان را در عصر غیبت، اطاعت از پروردگار و آماده شدن برای ظهور امام می‌دانند. ما، فقط، به انتظار ظهور حضرت امر شده‌ایم. و انتظار فرج هم همان طور که گفته شد یعنی اصلاح خود و دیگران و جامعه.در روایت آمده

است که‌ولاتستعجلوا مما لمْ یعجّله الله بکم؛ فإنّه مَنْ مات منکم علی فراشه و هو علی معرفهٔ حقّ ربّه و حقِّ رسوله و أهل بیته مات شهیداً و وقع أجره علی الله و استوجب ثوابَ مانوی من صالح عمله، قامت النیّهُ مقامَ إصلاتِهِ لسیفهِ فإنَّ لکلّ شیءٍ مدهً وأجلاً؛ [۳۱] .در آن چه را که خداوند شتاب در آن را لازم نداشته، شتاب نکنید؛ زیرا، هر کس از شما که در بستر خویش، با شناخت خدا و پیامبر بمیرد، شهید از دنیا رفته است و پاداش او بر خدا است و ثواب اعمال نیکویی که قصد انجام دادن آن را داشته، خواهد برد و نیّت و ثواب شمشیر کشیدن را دارد؛ زیرا، برای هر چیزی مدّت و وقتی است.بنابراین، در عصر حاضر، هم به دعای برای تعجیل فرج و هم به آماده کردن خود برای خدمت به امام عصر(عج) امر شده‌ایم و اگر هر کدام از ما به وظایف خود عمل کند و حقّ پروردگار و رسول الله و اهل بیت را بشناسد، زمینه‌ی مناسب برای ظهور امام(عج) را فراهم آورده است.

پاورقی

[۱] بسیاری از علماء اهل سنّت هم در کتاب‌های خود احادیثی در وصف امام مهدی(عج) نقل نموده‌اند. ر.ک: سنن ابن داود، ج ۴، ص ۱۰۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲؛ کتاب الفتن باب ۳۴؛ الصواعق المحرقه، ص ۱۶۳؛ سند احمد، ج ۱، ص ۱۵۹؛ صحیح ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵؛ فوائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۱؛ تاریخ دمشق / ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ینابیع المودهٔ، ص ۴۳۱؛ حلیهٔالاولیاء، ج ۵، ص ۷۵؛ الفصول المهمهٔ، ص ۲۹۷؛ مشکاهٔالمصابیح، ج ۳، ص ۱۵۰۱؛ مجمع الزوائد،ج ۷، ص ۳۱۴ و....

[۲] نساء: ۱۶۵.

[۳] انفال: ۴۲.

[۴] انعام: ۱۴۹.

[۵] نهج البلاغه، ح ۱۴۷.

[۶] شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹.

[۷] مسند احمد، ج ۵، ص ۶۱، رقم ۱۶۴۳۴.

[۸] مسند ابی داوود الطیالسی، ص ۲۵۹.

[۹] صحیح بن حبّان، ج ۱۰، ص ۴۳۴، قم ۴۵۷.]

[۱۰] المعجم الکبیر (طیرانی)، ج ۱۹، ص ۳۸۸، رقم ۹۱۰.

[۱۱] کمال الدین و تمام النعمه / شیخ طوسی / انتشارات اسلامیه / ج ۱، ص ۳۸۰-۳۷۲.

[۱۲] صحیح مسلم / ج ۳ / ص ۱۴۷۸، رقم ۱۸۵۱.

[۱۳] طبقات ابن سعد / ج ۴ / ص ۱۸۷-۱۸۵.

[۱۴] المعجم الکبیر، ح ۱۰، ص ۱۶۶، رقم ۱۰۲۲۲.

[۱۵] عقدالدرر فی أخبار المنتظر، ص ۵۶.

[۱۶] فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۲۵، رقم ۵۷۵.

[۱۷] الصواعق المحرمه، ص ۲۴۹.

[۱۸] البیان فی أخبار صاحب الزمان، الکنجی الشافعی، ص ۵۰۲.

[۱۹] الفتن، نعیم بن حماد، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۱۰۹۵؛ عقدالدرر، ص ۲۸۲ (از طبرانی و أبی نعیم)؛ والحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۶.

[۲۰] کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳، ح ۳۸۶۵۶.

[۲۱] المنار المنیف، ص ۱۴۹؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴، ح ۳۸۶۶۳.

[۲۲] المنار المنیف، ص ۱۵۰.

[۲۳] کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۸، ح ۳۸۶۷۸.

[۲۴] الإصابه، ج ۲، ص ۱۱۴ - ۱۱۵ - درالکتب العلمیه - بیروت.

[۲۵] تهذیب الأسماء واللغات، ج ۱، ص ۱۷۶، رقم ۱۴۷.

[۲۶] مرقاةالمفاتیح، ج ۹، ص ۶۹۲.

[۲۷] با این اوصاف، از آن جا که ابن تیمیه می‌دانست وجود خضر، بهترین دلیل برای رفع استبعاد از طول عمر است، دست به تکذیب خضر زده است. (مؤلف).

[۲۸] قال رسول الله (صلّی اللّهُ علیه و آله و سلّم): المهدی من ولدی، اسمه اسمی، و کنیتُهُ کنیتی، اشبه الناس بی خلقاً و خُلقاً، تکون به غیبةٌ و حیرةٌ تضلّ فیها الامم، ثم یقبل کالشهاب الثاقب یملاءها عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً. (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶) قال حسین بن علی (علیه‌السّلام): فی التاسع من ولدی، سنةٌ من یوسف و سنةٌ من موسی بن عمران، و هو قائمنا اهل البیت، یصلح اللّه تبارک و تعالی أمره فی لیلةٍ واحدةٍ. (کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۶همچنین ر.ك:۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷ / قم، مؤسسه نشر اسلامی ۲- همان، ج ۲، ص ۳۷۲ / قم، مؤسسه نشر اسلامی ۳- همان، ج ۱، ص ۱۵۱ / قم، مؤسسه نشر اسلامی ۴- الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۷۱ / قم / مدرسه الامام المهدی ۵- همان، ج ۲، ص ۹۵۵ / قم / مدرسه الامام المهدی ۶- الغیبة، ص ۱۵۹ / قم / منشورات مکتبة بصیرتی ۷- دلائل الامامة، ص ۳۴۷ / قم / انتشارات رضی ۸- همان، ص ۲۵۰ / قم / انتشارات رضی ۹- تقریب المعارف فی الکلام، ص ۱۹۱ / تقی الدین بن نجم بن عبدالله / قم / جامعه مدرسین ۱۰- اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب، ص ۲۷۹ / قم / منشورات مکتبة بصیرتی.

[۲۹] حضرت استاد محمد اشتهاردی موارد ذیل را مهم‌ترین عوامل زمینه ساز ظهور حضرت می‌دانند. ۱- جاذبه قرآن و حقانیّت اسلام ۲- علم و اندیشه و به کار انداختن آن ۳- استقامت و پایداری و شجاعت ۴- زهد و رعایت اخلاق و حقوق ۵- ایمان و توکل به خدا ۶- تعاون و همکاری ۷- برخوردها و روشهای منطق با همدیگر ۸- توجه به طبقه مستضعف ۹- اتحاد و انسجام مسلمانان ۱۰- رهبر شایسته بقیةاللّه / ۱۴۰۲ / مسجد صدریه، ص ۱۳۴-۱۲۶.

[۳۰] قال ابوعبدالله: انّ فی صاحب هذا الامر سنناً من الانبیاء علی نبینا و... و سنةٌ من داوود و هو حکمه باالالهام. (الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۳۶ / قم / مدرسه الامام المهدی) کتبتُ الی ابی محمد العسکری أساله عن القائم (علیه‌السّلام): اذا قام: بمَ یقضی بین الناس؟ واردتُ أن اساله عن شیء لحمی الربع، فاغفلتُ ذکرالحمی، فجاء الجواب، سالت عن الامام، اذا قام قضی بین الناس بعلمه کقضاء داود لایسأل البینة. (الدعوات / سعید بن عبداللّه بن حسین / ص ۲۰۹ / قم / مدرسه الامام المهدی) همچنین ر.ك: الغیبة طوسی: ص ۲۶۱؛ الامامة والتبصرة، ص ۹۳، ح ۸۴؛ الخرائج الجرائح، ج ۱، ص ۴۳۱؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد / محمد بن حسن / ص ۲۵۹ / قم / چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

[۳۱] نهج البلاغه، خ ۱۹۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».